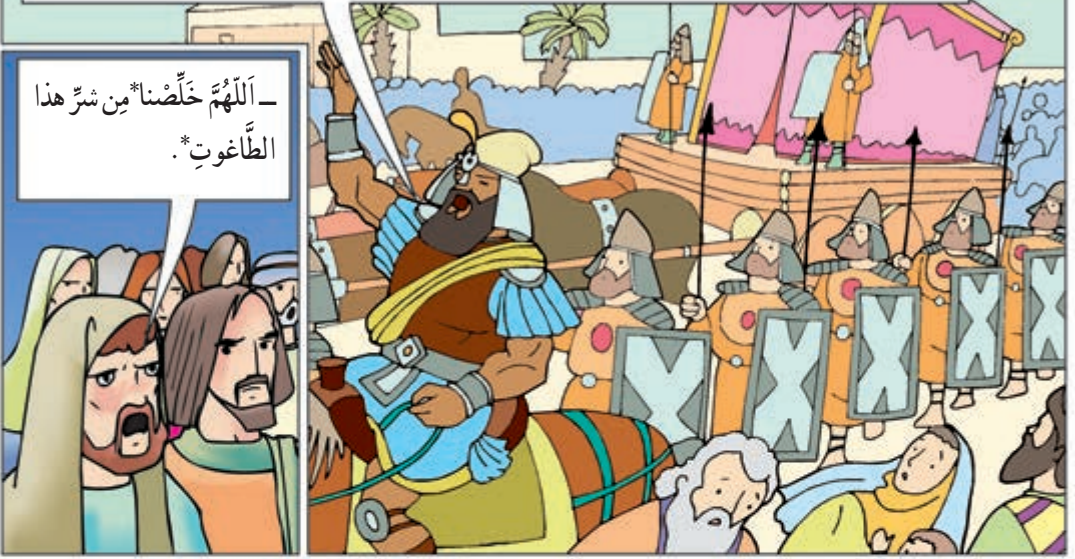


أَيُّهَا النَّاسُ مَوْكِبُ\* صَاحِبِ الْجَلَالَةِ\* «قَارُونَ» الْمُعْتَمِدُ فِي الطَّرِيقِ. ائْتِعِدُوا\*.

— أَللَّهُمَّ خَلِّصْنَا\* مِنْ شَرِّ هَذَا  
الطَّاغُوتِ\*.



— يَا لَيْتَ\* لَنَا ثَرَوَةَ قَارُونَ!

— أَنْظُرُ. لَقَدْ خَرَجَ قَارُونَ  
فِي زِينَتِهِ\*.

— إِنَّهُ شَرٌّ مَخْلُوقٍ.

— أَخِي، مَا الْفَائِدَةُ فِي ثَرَوَةٍ وَرَاءَ\* هَالعِنَّةِ  
النَّاسِ؟ إِنَّهُ كَافِرٌ بِنِعْمَةِ اللَّهِ.





– عَلَيْنَا أَدَاءُ الْوَاجِبِ. نَحْنُ  
مُبَسَّرُونَ وَ مُنْذَرُونَ.



– عَلَيْنَا الدَّهَابُ إِلَى قَارُونَ.

– هَلْ يَقْبَلُ النَّصِيحَةَ؟!

– لا، معلومٌ؛ هو رَجُلٌ مُتَكَبِّرٌ.



في قصرِ قارون

– ماذا تَطْلُبُونَ؟

– الأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ التَّهْيِئَةَ عَنِ الْمُنْكَرِ.



أَنْتُمْ الْمُؤْمِنُونَ بِدِينِ مُوسَى.  
أَيُّهَا الْحَارِسُ،  
إِذْفَعْ لَهُمْ دِينَاراً مِنَ الدَّهَبِ. هُمْ فُقَرَاءٌ.



– يا قَارُونَ، أَحْسِنِ إِلَى الْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ  
وَ الْمَظْلُومِينَ.



— إِنَّكَ سَتَشَاهِدُ جَزَاءَ عَمَلِكَ.

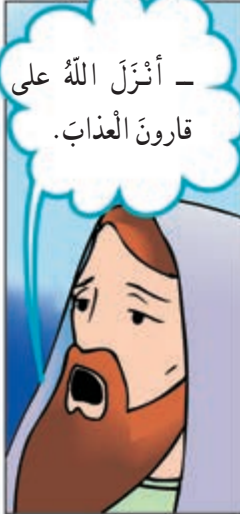


— ما هذه الكلمات؟!  
— أَخْرَجُوا، أُتْرِكُوا  
قَصْرِي.

— أَنْتُمْ مُفْسِدُونَ.



لا، تَطْلُبُ الْمَالَ.  
وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ\* وَ  
الْفِضَّةَ\* وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ  
فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ\*.



— أُنزِلَ اللَّهُ عَلَى  
قَارُونَ الْعَذَابِ.



— ماذا حَدَّثَ؟  
ماذا حَدَّثَ؟



الْفِرَارَ،  
الْفِرَارَ.

— هذه عاقبةُ  
المُكْدِبِينَ.



— سَمِعْتُ أَنَّ مُوسَى (ع)  
دَعَا قَارُونَ إِلَى طَرِيقِ الْحَقِّ.

— نعم، ولكن هو كافرٌ بِدِينِ  
المُرْسَلِينَ.



الْتَّجَدَةَ.

سَأَنْفِقُ أَمْوَالِي.  
سَأُسَاعِدُ الْفُقَرَاءَ.

لَاتَ\* حِينَ مَنَاصِي\*.

وَهَكَذَا ابْتَلَعَتْهُ الْأَرْضُ وَذَهَبَتِ الرَّيْبَةُ وَالْمُؤَكَّبُ وَالْقُصُورُ. وَأَصْبَحَ قَارُونَ عِبْرَةً لِلْأَجْيَالِ\*.



## اسم جامد و اسم مشتق

اسم‌ها یا از کلمه دیگری گرفته شده‌اند که به آنها «اسم مشتق» گفته می‌شود یا از کلمه دیگری گرفته نشده‌اند که به آن «اسم جامد» می‌گوییم. در این کتاب با هفت نوع از مشتقات آشنا می‌شویم.



- اسم فاعل در فعل ثلاثی مجرد بر وزن «فاعِل» می‌آید.  
اسم فاعل از فعل‌های «كَتَبَ، نَصَرَ، حَمِدَ و فَتَحَ» می‌شود:  
کاتب، ناصر، حامد و فاتح
- اسم مفعول در فعل ثلاثی مجرد بر وزن «مُفْعول» می‌آید.  
اسم مفعول از فعل‌های «كَتَبَ، نَصَرَ، حَمِدَ و فَتَحَ» می‌شود: مَكْتُوب، مَنصُور، مَحْمُود و مُفْتوح
- اسم فاعل از فعل ثلاثی مزید از فعل مضارع ساخته می‌شود.  
به جای حرف مضارع، میم مضموم «مُ» می‌آید و حرف پیش از آخر کسره می‌گیرد.  
به چگونگی ساخت اسم فاعل از فعل ثلاثی مزید دقت کنید.

يُشَاهِدُ ← مُشَاهِدٌ	يُرْسِلُ ← مُرْسِلٌ	يُعَلِّمُ ← مُعَلِّمٌ
يَنْتَظِرُ ← مُنْتَظِرٌ	يَبْعَادِلُ ← مُبْعَادِلٌ	يَتَقَدَّمُ ← مُتَقَدِّمٌ
يَسْتَخْرِجُ ← مُسْتَخْرِجٌ	يَنْقَطِعُ ← مُنْقَطِعٌ	

● اسم مفعول از فعل ثلاثی مزید نیز از فعل مضارع ساخته می‌شود و از هر لحاظ مانند اسم فاعل است. غیر از این که حرف پیش از آخر آن فتحه است. مثال :

اسم مفعول	اسم فاعل	فعل ثلاثی مزید
مُنْتَظَرٌ	مُنْتَظِرٌ	يَنْتَظِرُ
مُقَدَّدٌ	مُقَدِّدٌ	يُقَدِّدُ
مُخْرَجٌ	مُخْرِجٌ	يُخْرِجُ

● به معنی اسم فاعل و اسم مفعول توجه کنید.

مَعْبُودٌ : پرستش شده	عَابِدٌ : پرستش کننده
مَكْتُوبٌ : نوشته شده	كَاتِبٌ : نویسنده
مَنْصُورٌ : یاری شده	نَاصِرٌ : یاری کننده
مُشَاهَدٌ : دیده شده	مُشَاهِدٌ : بیننده
مُرْسَلٌ : فرستاده شده	مُرْسِلٌ : فرستنده
مُقَدَّدٌ : تقلید شده	مُقَدِّدٌ : تقلید کننده

التمرين الأول

عَيِّن الجوابَ الصَّحِيحَ :

١- أَمَرَ قَارُونَُ بِدَفْعِ دِينَارٍ لِأَوْلِيائِكَ الرِّجَالِ لـ ... .

الف - تَحْقِيرِهِم  ج - تَخْوِيفِهِم

ب - مُسَاعَدَتِهِم  د - تَبْشِيرِهِم

٢- قَارُونَُ ... ، عِنْدَ تَرْوِيلِ العَذَابِ .

الف - سَاعَدَ الْفُقَرَاءَ  ج - قَصَدَ الرُّجُوعَ عَنِ كُفْرِهِ

ب - مَا قَصَدَ مُسَاعَدَةَ الْفُقَرَاءِ  د - أَنْفَقَ أَمْوَالَهُ

التمرين الثاني

این حروف چین قصد دارد با استفاده از حروف اصلی پراکنده اسم فاعل و اسم مفعول در جاهای خالی قرار دهد، به او کمک کنید تا فراهایی از دعای «جوشن کبیر» به دست آید :

یا صَائِعٌ \* كُلُّ مَضْنُوعٍ

..... كُلُّ .....

..... كُلُّ .....

..... كُلُّ .....

..... كُلُّ .....

..... كُلُّ .....

(اسم مفعول)

(اسم فاعل)

## التَّمْرِينُ الثالث

این دو نفر از تابلوی افعال، اسم فاعل و اسم مفعول ساخته اند. پیش بینی کنید تابلوهای بعدی چگونه خواهد بود و یا تابلوهای ساخته شده، قبلاً چگونه بوده اند؟ معنی آنها را نیز بنویسید:

اسم مفعول	اسم فاعل	ترجمه	فعل
.....	.....	.....	شاهد
.....	.....	.....	استخرج
.....	.....	.....	اعتمد
.....	.....	.....	مُبَشِّرٌ
.....	.....	.....	مُنْتَظَرٌ

## التَّمْرِينُ الرابع

عَيِّنِ الْمُرَادِفَ وَالْمُضَادَّ: (=، ≠)

الرَّخِيسُ.....البَاهِظُ	الْوَالِدَةُ.....الْأُمُّ	شَاهِدٌ.....رَأَى
مَنَحَ.....وَهَبَ	لَا أَدْرِي.....لَا أَعْلَمُ	الْبَيْعُ.....الشَّرَاءُ
بَعِيدٌ عَنِ.....قَرِيبٌ مِنْ	أَخْرَجَ.....أَدْخَلَ	وَرَاءَ.....خَلْفَ



«اسم فاعل» بر انجام دهنده یا دارنده حالتی بودن دلالت می کند و معادل آن در فارسی معمولاً «صفت فاعلی» است؛ مانند: ناصر: یاری کننده، مُنذِر: بیم دهنده  
صفت فاعلی در زبان فارسی دارای پسوندهایی از قبیل «نده، ا» است؛ مانند: بیم دهنده، دانا  
□ «اسم مفعول» بر «انجام شدن و یا واقع شدن» دلالت می کند و معادل آن در فارسی معمولاً «صفت مفعولی» است؛ مانند: منصور: یاری شده، مُحترَم: احترام شده  
در ترجمه اسم مفعول گاهی از مصدر «شدن» استفاده می کنیم؛ مانند: مُستضعَف: ضعیف نگاه داشته شده

غلط های ترجمه های فارسی زیر را تصحیح کنید:

- ۱- ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ..... الَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ﴾  
مؤمنان محققاً رستگار شدند..... کسانی که از بیهوده دور شده اند.
- ۲- مُشَاوَرَةُ الْمُسْتَفِيقِ الْجَاهِلِ حَظْرٌ.  
مشورت کننده دلسوز نادان خطرناک است.
- ۳- ﴿وَمَا تُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ﴾  
رسولان را جز بشارت داده شده و بیم داده شده نمی فرستیم.
- ۴- الْعَقْلُ مُصْلِحٌ كُلِّ أَمْرٍ.  
عقل اصلاح شده هر کاری است.
- ۵- الْمُسْتَضْعَفُونَ هُمْ وَاِرثُونَ الْأَرْضَ.  
ضعیف کنندگان همان وارثان زمین هستند.

ترجمه تحت اللفظ در صورتی  
مقبول است که روان و گویا  
باشد.

کاستن و یا افزودن در ترجمه  
عبارت ها، (بدون ضرورت خاصی)  
به اصالت ترجمه خدشه وارد  
می کند.



الف: شما با کلمات زیر در متن درس آشنا شدید، اکنون هر یک از آن‌ها را با توجه به معنی آیات، در جای

خالی مناسب قرار دهید:

المُرْسَلِينَ، المُكذِّبِينَ، مُبَشِّرِينَ، مُنذِرِينَ

۱- ﴿فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ ..... و .....﴾ (بقره/ ۲۱۳)

خداوند پیامبران را بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده برانگیخت.

۲- ﴿فَوَهَّبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِّنْ .....﴾ (شعراء/ ۲۱)

[پروردگارم] به من دانش و حکمت بخشید و مرا از فرستاده‌شدگان قرار داد.

۳- ﴿فسيروا في الأرضِ فانظروا كيفَ كانَ عاقبَةُ .....﴾ (نحل/ ۳۶)

بنابراین در زمین حرکت کنید و بنگرید عاقبت تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است.

ب: دو آیه زیر را بخوانید و به سؤالات پاسخ دهید:

﴿يا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا﴾ (أحزاب/ ۴۵)

ای پیامبر، ما تو را شاهد و بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده فرستادیم.

﴿و ما نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ﴾ (کهف/ ۵۶)

و ما پیامبران را جز بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده نمی‌فرستیم.

سؤال: تفاوت میان «شاهدًا، مُبَشِّرًا» از لحاظ اشتقاق چیست؟

.....

شبهت میان «مُرْسَلِينَ، مُنذِرِينَ» از چه جهتی است؟

.....